

متن پرسش

۱۱- بسمه تعالی با عرض سلام و خسته نباشید. من مدتی است (خصوصاً بعد از اینکه حدوداً اواخر ماه شعبان به زیارت امام هشتم علیه السلام مشرف شدم، و تقریباً همزمان با گوش دادن به مباحث اولیه ی چگونگی فعلیت یافتن،) دچار حالتی شدم که وقتی با خدای خودم تنها میشوم مثلاً در نیمه شب در حیاط خانه، زبانم به مناجات باز نمی شود و تمایل دارم فقط نگاه کنم یا نمی دانم فقط بشنوم، اما نمی دانم باید به چه نگاه کنم. قدری به درختان نگاه می کنم و بعد کمی به آسمان، کمی آرام می شوم و بعد دوباره احساس خلای می کنم. انگار دنبال چیزی میگردم ولی آن را نمی یابم. از شما استدعا دارم لطفاً این حالت من را تفسیر کنید. مشکلم کجاست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: گفت: «من کسانی می شناسم زُ اولیاء... که دهانشان بسته باشد از دعا» این قصه ی بعضی از احوالات یک سالک می تواند باشد در مرحله ای از سلوک که به آن «خَرس» یا گنگی می گویند. إن شاء الله از این جهت به فعلیت می رسید و دعایی که جهت ارتباط بود به دعایی تبدیل می شود جهت باقی ماندن در اُنس است. موفق باشید